

The Crime of Racial Discrimination: Perspectives from Islamic Jurisprudence and International Criminal Law

Abolfath Khaleghi¹

Seyyed Mohammad Ali Razavi²

(Received on: 20- 07- 2023 Accepted on: 16 - 10- 2023)

Abstract

Racial discrimination, in a broad sense, involves the assertion of superiority of certain individuals over others based on their race. This phenomenon is examined across various disciplines, including politics, sociology, law, psychology, and ethics. Using a descriptive-analytical method and documentary analysis, this research explores the crime of racial discrimination from the viewpoints of Islamic jurisprudence and international criminal law.

The article begins by separately investigating the foundational principles prohibiting racial discrimination in Islamic jurisprudence and international criminal law. Subsequently, it delves into the constituent elements of the crime, namely the legal, material, and spiritual elements. Each element's components are scrutinized in connection with racial discrimination from both the perspectives of international criminal law and Islamic jurisprudence.

The punishment of the perpetrator is the concluding aspect of this exploration into criminal incidents. The article addresses the implementation of the crime of racial discrimination, discussing the guaranteeing of its enforcement in international criminal law and Islamic jurisprudence concerning those who commit the crime of discrimination. Finally, a comparative evaluation of the differences and similarities in the treatment of the crime of racial discrimination in Islamic jurisprudence and international criminal law is presented.

Keywords: racial discrimination, apartheid, crime against humanity, Islamic jurisprudence, international criminal law.

1. Associate Professor, Department of Criminal Law and Criminology, University of Qom, Qom, Iran (corresponding author) ab-khaleghi@qom.ac.ir

2. Third level graduate of Qom seminary, Qom, Iran (PhD degree in criminal law and criminology) mrazavi998@gmail.com

جنایت تبعیض نژادی از منظر فقه اسلامی و حقوق بین الملل کیفری

ابوالفتح خالقی^۱

سید محمد علی رضوی^۲

(تاریخ دریافت ۱۴۰۲/۰۴/۲۹ تاریخ پذیرش ۱۴۰۲/۰۷/۲۴)

چکیده

تبعیض نژادی در یک معنای کلی به مفهوم برتری برخی انسان‌ها بر برخی دیگر به خاطر نژاد آن‌هاست. تبعیض نژادی به عنوان یک موضوع در علوم مختلفی از جمله سیاست، جامعه‌شناسی، حقوق، روان‌شناسی و علم اخلاق مورد توجه است. در این پژوهش، جنایت تبعیض نژادی از منظر فقه اسلامی و حقوق بین‌الملل کیفری با روش توصیفی-تحلیلی و به شیوه گردآوری مدارک و روش اسنادی بررسی شده است. این نوشتار در ابتدا مبنای ممنوعیت تبعیض نژادی از منظر فقه اسلامی و حقوق بین‌الملل کیفری را به صورت جداگانه بررسی کرده و پس از آن، عناصر تشکیل دهنده جنایت تبعیض نژادی (عنصر قانونی، مادی و عنصر معنوی) و اجزای هر یک از این عناصر در رابطه با تبعیض نژادی از منظر حقوق بین‌الملل کیفری و فقه اسلامی به صورت جداگانه، تحلیل شده است. مجازات مجرم، آخرین حلقه در بررسی زنجیره‌ای حوادث کیفری است که در مورد مرتکبین جنایت تبعیض تحت عنوان ضمانت اجرای جنایت تبعیض نژادی در حقوق بین‌الملل کیفری و فقه اسلامی در این نوشتار به آن پرداخته شده است. در نهایت، تفاوت‌ها و شباهت‌های جنایت تبعیض نژادی در فقه اسلامی و حقوق کیفری بین‌المللی، ارزیابی شده است. کلید واژه‌ها: تبعیض نژادی، آپارتاید، جنایت علیه بشریت، فقه اسلامی، حقوق بین‌الملل کیفری.

۱. دانشیار گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه قم، قم، ایران (نویسنده مسئول)

ab-khaleghi@qom.ac.ir

۲. دانش‌آموخته سطح سه حوزه علمیه قم، قم، ایران (دانش‌آموخته دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی)

mrazavi998@gmail.com

تنوع نژادی در جهان امروز به دلیل گسترش تکنولوژی و ارتباطات، به یک امر عادی تبدیل شده و بسیاری از کشورها، رنگین‌کمانی از اقوام، نژادها و مذاهب متفاوت را در بردارند. با این حال، هنوز هم کمتر کشوری را می‌توان معرفی کرد که در آن، رگه‌هایی از تبعیض، روابط افراد را به چالش نکشد و برابری اجتماعی به صورت یک آرمان، تمامی زوایای روابط انسانی را تحت پوشش قرار دهد. شاید مواردی از تبعیض در برخی از امور، طبیعی بوده و عدالت مطلق، آرمانی و ناپیدا باشد، اما هنوز کشورهایی هستند که تبعیض نژادی در روابط انسانی آنها، بحران‌آفرین بوده و چشم‌انداز آینده را تیره و تار ساخته است. در این قبیل کشورها، جنایت تبعیض در ساختار سیاسی و اجتماعی آنها به صورت سیستماتیک، تنش سیاسی، انزوای بین‌المللی و رکود اقتصادی را در سرنوشت ساکنانش بی‌رحمانه رقم‌زده است.

در تقابل با پدیده زشت و ویرانگر تبعیض نژادی، اندیشمندان و آزادی‌خواهان سترگی به مبارزه برخاسته و مکاتب بزرگ، داعیه مبارزه با تبعیض را شعار خود ساخته‌اند. مکتب فقهی اسلام، یکی از زنده‌ترین و مهمترین مکاتبی است که اندیشه برابری عمومی را یک اصل مسلم می‌داند و «برابری انسان‌ها» را از «برابری حقوقی» تا درجه «برادری حقوقی» بالا می‌برد. دین اسلام در عمل نیز نفی تبعیض نژادی در روابط انسانی ساکنان سرزمین تحت فرمانش را بسط داده است. به موازات اندیشه‌های دینی، برخی از اسناد بین‌المللی (مثل اساسنامه دادگاه کیفری) نیز نسبت به جنایت تبعیض نژادی به جرم‌انگاری پرداخته‌اند. بنابراین این پرسش که تفاوت‌ها و شباهت‌های فقه اسلامی و اسناد بین‌المللی ضد تبعیض، در مبارزه و مواجهه با جنایت «تبعیض نژادی» چیست؟ قابل‌ارائه و پژوهش به نظر می‌رسد.

۱. مفهوم شناسی

تعریف و بازشناسی مفاهیم کلیدی به‌کار رفته در هر پژوهشی، قطعاً در شناخت دقیق ابعاد پژوهش مورد نظر، تأثیرگذار است. مهمترین مفاهیم به‌کار رفته در این تحقیق از قرار ذیل است:

۱-۱. تبعیض^۱

تبعیض در لغت، به معنای تقسیم و جدا کردن بعضی از بعضی، بعضی را بر بعضی برتری دادن و برتر شمردن نژادی نسبت به نژاد دیگر است. از نظر اصطلاحی، عبارت است از رفتار

1. Discrimination.

نابرابر مردم بر اساس عضویت گروهی. اگرچه امکان دارد که تبعیض در جهت مثبت نسبت به یک گروه خاص باشد، ولی نشانده اعمال منفی است. به طور خاص، تبعیض دربرگیرنده ممانعت از دادن فرصت‌هایی به یک گروه است که به اعضای مشابه گروه دیگر با شرایط یکسان، داده می‌شود (معین، ۱۳۸۱: ۴۲۲).

«تبعیض مثبت» به مجموعه برنامه‌ها و سیاست‌هایی اطلاق می‌شود که به موجب قانون اساسی یا قوانین عادی در دستگاه‌های قانون‌گذاری، اجرایی و قضایی یک کشور با هدف رسیدن به برابری واقعی در جامعه از مسیر جبران تبعیض‌های گذشته، رفع تبعیض‌های موجود، حمایت‌های ویژه بعدی از گروه‌های انسانی آسیب‌پذیر و در معرض تبعیض همانند اقلیت‌ها، زنان، معلولان و امثال آن صورت می‌گیرد. این اعمال اگرچه به ظاهر ناسازگار با اصل برابری به نظر می‌رسد، به‌واقع عادلانه و همسو با اصول حقوق بشر است (ملکی، ۱۴۰۰: ۱۰۶).

۱-۲. نژاد^۱

نژاد در لغت اصل، نسب، گوهر، خاندان، نسل و جوهر معنا شده است. از نژاد کسی بودن، از نسل او بودن می‌باشد (دهخدا، ۱۳۸۵: ۲/۲۹۸۵).

ریشه انگلیسی^۲ کلمه نژاد مشخص نیست. توافق زبان‌شناسان در کل این است که این کلمه از زبان فرانسه وارد زبان انگلیسی شده، ولی در مورد این‌که چطور چنین کلمه‌ای از لاتین مشتق شده، به توافق نرسیده‌اند.

۱-۳. تبعیض نژادی^۳

از منظر جامعه‌شناسی، نژادپرستی باوری است که برحسب آن یک گروه نژادی، خود را برتر از گروه‌های نژادی دیگر می‌داند و یکی از قدرتمندترین و مخرب‌ترین اشکال تبعیض است (کوئن، ۱۳۸۰: ۳۴۹).

این واژه در کنوانسیون بین‌المللی رفع همه اشکال تبعیض نژادی، این‌گونه تعریف شده است: «هرگونه تمایز، محرومیت، محدودیت یا برتری بر مبنای نژاد، رنگ، تبار یا خاستگاه ملی - قومیتی است که اثر یا هدف آن، اضرار یا القای شناسایی، بهره‌مندی یا اعمال برابر حقوق بشر و آزادی‌های بنیادی در حوزه سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی یا هر حوزه

1. Racial.

2. Race.

3. Racial Discrimination.

دیگر زندگی عمومی است».

اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی در جزء (ح) بند ۲ ماده ۷، تبعیض نژادی را از مصادیق جنایت علیه بشریت دانسته و در تعریف تبعیض نژادی در ذیل ماده آورده است: «جنایت تبعیض نژادی، به معنای ارتکاب اعمال غیرانسانی از نوع اعمال مذکور در پاراگراف ۱ است که در مجموعه یک رژیم نهادینه شده برای ایجاد فشار و سلطه منظم توسط یک گروه نژادی بر هر گروه یا گروه‌های نژادی دیگر و به قصد ابقای آن ارتکاب یابد».

۲. سابقه تبعیض نژادی

نژادپرستی ریشه در تاریخ چند هزارساله زندگی بشر دارد، اما تبعیض نژادی و برتر دانستن یک نژاد بر نژادهای دیگر در عصر جدید، ساخته و پرداخته استعمار غرب است. ثروت‌اندوزی که از مشخصه‌های دوران رنسانس در اروپا است در این زمینه، نقش مهمی دارد. کشف‌های جغرافیایی و تجارت برده که در قرن هجدهم به اوج خود رسید و بنا بر روایتی، تعداد آن بین سی تا پنجاه میلیون نفر بود، اروپا را ثروتمند ساخت. در عین حال مهم‌ترین نظام‌های طرفدار تبعیض در عصر حاضر عبارتند از:

تبعیض نژادی در آفریقای جنوبی تا قبل از فروپاشی رژیم آپارتاید به گفتمان مسلط تبدیل شده بود. نظام آپارتاید در آفریقای جنوبی از سال ۱۹۴۸ میلادی شکل گرفت و تا سال ۱۹۹۱ میلادی استمرار داشت. بر اساس قوانین مصوب، سفیدپوستان که قشر حاکم بر کشور را تشکیل می‌دادند به عنوان شهروند ممتاز شناخته شدند و از همه‌ی امتیازات سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، آموزشی و... برخوردار بودند. در مقابل، سیاه‌پوستان که ظاهراً شهروند درجه ۲ بودند از ابتدایی‌ترین حقوق شهروندی نیز محروم بودند؛ حقوق اولیه، همچون خرید ملک و حق رأی نداشتند و در جامعه مورد تمسخر قرار می‌گرفتند و در صورت اعتراض، زندانی می‌شدند. همه چیز میان این دو گروه کاملاً متفاوت بود و قوانین مربوط به آپارتاید سخت‌گیرانه پیگیری می‌شد. در حوزه آموزش، مدارس و دانشگاه‌های این دو گروه از هم جدا بود؛ مدارس و دانشگاه‌های سفیدپوستان، تمامی امکانات آموزشی را دارا بود و با بهترین مدارس و دانشگاه‌های جهان رقابت می‌کرد، اما در مقابل، دانشگاه‌ها و مدارس جامعه سیاه‌پوست از حداقل امکانات آموزشی نیز محروم بودند. محل بازی کودکان نیز تفکیک شده بود. برای

جامعه سفیدپوست، کلیساهای مخصوصی ساخته شده بود که از کلیساهای سیاه‌پوستان تفکیک شده و حتی برای انجام امور دینی نیز تبعیض نژادی در نظر گرفته شده بود. رفتار رژیم صهیونیستی با فلسطینیان. این رژیم با ساکن کردن یهودیان صهیونیست در سرزمین فلسطین، اخراج فلسطینیان از سرزمین خود و محروم کردن شهروندان فلسطینی از امتیازاتی مانند دسترسی به زمین و منابع در مناطق اشغالی، ساخت و احداث جاده‌های جداگانه، تبعیض در زیرساخت‌ها میان شهروندان اسرائیلی و فلسطینی و رعایت نکردن حقوق قانونی شهروندان فلسطینی، در حال اجرای آپارتاید در سرزمین‌های اشغالی است. نلسون ماندلا در این خصوص می‌گوید: «پدر بزرگم رژیم صهیونیستی را معادل آپارتاید می‌دانست» (مندلا ماندلا، ۱۴۰۱، <https://abadis.ir/fatofa>).

رژیم صهیونیستی در مقابل دیدگان جهانیان، نهادهای مستقل حقوقی فلسطین را مورد تجاوز قرار داده و از کشتن کودکان بی‌گناه فلسطینی هیچ‌واهمه‌ای ندارد. از ابتدا، ایده‌ی تشکیل رژیم صهیونیستی بر پایه تفکر تفکیک نژادی و با توجه به آموزه‌های تلمود که بر خاص بودن قوم یهود و یا همان برگزیدگی یهودیان و برتری آن‌ها نسبت به جهانیان تأکید داشت، صورت گرفت. در این رژیم غاصب، بیش از ۶۵ قانون به طور مستقیم و یا غیرمستقیم علیه شهروندان فلسطینی بر اساس وابستگی ملی آن‌ها به تصویب رسیده است. رژیم صهیونیستی تاکنون ۴۰۰ روستا را ویران کرده و در تعداد زیادی از این مناطق بعد از پاک‌سازی قومی، به ساخت و ساز شهرک‌های صهیونیست نشین اقدام کرده و شهروندان یهودی صهیونیست خود را در آن اسکان داده است. در بیشتر این مناطق با کشیدن دیوار و ایجاد موانع مختلف، اجازه ورود و تردد فلسطینیان را به این مناطق نمی‌دهد.

یکی از مهمترین قانون‌هایی که رژیم صهیونیستی با تصویب آن، نمونه بارز آپارتاید را به نمایش گذاشت قانون قومیت بود. این قانون در ۱۱ بند در ژوئیه ۲۰۱۸ در کنست رژیم صهیونیستی به تصویب رسید. تمامی این ۱۱ بند بر حمایت همه‌جانبه از یهودیان در فلسطین و ارزش‌های صهیونیستی تأکید دارد؛ به‌گونه‌ای که هیچ قومیت و نژاد دیگری در این قانون مدنظر قرار نگرفته و هر فرد غیر یهودی، هرچند شهروند رژیم صهیونیستی باشد، شهروند درجه پایین محسوب می‌شود. این قانون آن قدر نژادپرستانه و جانب‌دار یهودیان صهیونیست در فلسطین اشغالی است که فریاد اقلیت‌های همیشه همراه با صهیونیست‌ها را نیز بلند کرد.

طبق بندهای این قانون، سرزمین فلسطین به عنوان یک کشور و ملت یهودی تعریف شده و بیت المقدس، پایتخت آن محسوب شده و زبان رسمی مردم نیز عبری شناخته شده است و به زیان میلیون‌ها شهروند عرب موجود در مناطق اشغالی، بی‌اعتنایی می‌شود. سازمان ملل در واکنشی اعلام کرده است که اسرائیل، رژیم آپارتاید برپا کرده است. همچنین دیده بان حقوق بشر هم رفتار اسرائیل با فلسطینیان را ارتکاب جنایت تبعیض نژادی و آپارتاید بیان کرده است (مندلا ماندلا، ۱۴۰۱، <https://abadis.ir/fatofa>).

به‌رغم دهه‌های متممادی تلاش جامعه بین‌المللی، هنوز مظاهر تبعیض نژادی در برخی نقاط جهان و به نحو قابل‌تأملی در ایالات متحده آمریکا پایدار مانده و مظاهر جدیدی از آن بروز نموده است. اگرچه در نگاه نخست، به نظر می‌رسد این پدیده از کشوری که یک آفریقایی تبار، کرسی ریاست جمهوری آن را به‌دست آورده، کاملاً رخت بر بسته، اسناد نهادهای حقوق بشری، حکایت از وضعیتی متفاوت دارند. به عنوان نمونه، ایست و بازرسی و متوقف کردن افراد در پیاده‌روهای اوکلند، کالیفرنیا و دیگر شهرها نشان داد که الگویی ثابت از نابرابری نژادی در این اقدام پلیس وجود دارد. نتایج تحقیقات علاوه بر این نشان می‌دهد که سیاه‌پوستان آمریکایی، این حس را دارند که در زمان متوقف شدن از سوی پلیس، در مقایسه با سفیدپوستان، کمتر مورد احترام قرار می‌گیرند (مندلا ماندلا، ۱۴۰۱، <https://abadis.ir/fatofa>).

۳. مبنای ممنوعیت تبعیض نژادی

همان‌گونه که تبعیض نژادی، برخاسته از اندیشه برتری گروهی از انسان‌ها نسبت به گروه‌های دیگر است، منع تبعیض نژادی نیز بر خواسته از اندیشه‌های الهی و احیاناً انسانی است که برتری را منع کرده و عدالت یا مساوات را شایسته جامعه بشری می‌دانند. از نگاه فلسفی نیز وقتی می‌توان برای تمام بشر، حقوق مشترک قائل شد که جنبه وحدت حقیقی آنان تثبیت شده باشد؛ زیرا حقوق مساوی بر اساس تساوی استحقاق مستحقان است، چه این که حقوق متفاوت بر پایه تفاوت استحقاق مستحقان هست (جوادی آملی، ۱۳۷۷: ۳۱). در این قسمت، به مبنای ممنوعیت تبعیض در حقوق بین‌الملل کيفی و فقه اسلامی به صورت مختصر می‌پردازیم.

۱-۲. مبنای ممنوعیت تبعیض نژادی در حقوق بین‌الملل کيفی

مبنای برابری انسان‌ها در حقوق بشر معاصر، کرامت ذاتی انسان است. اساساً کرامت، تنها

مبنای برابری در حقوق بشر نیست، بلکه مبنای کل مجموعه حق‌های بشری است (سالاری، ۱۳۹۷: ۱۴۸). مقدمه اعلامیه جهانی حقوق بشر با این عبارت آغاز می‌شود: «از آنجاکه شناسایی حیثیت ذاتی تمامی اعضای خانواده بشری و حقوق یکسان و انتقال‌ناپذیر آنان، اساس آزادی و عدالت و صلح را در جهان تشکیل می‌دهد...». مبنای بودن کرامت ذاتی انسان برای استحقاق حق‌های بشری از جمله حق بر برابری، در ماده ۱ اعلامیه با صراحت بیشتری آمده است: «تمام افراد بشر، آزاد به دنیا می‌آیند و از لحاظ حیثیت و حقوق با هم برابرند. همه، دارای عقل و وجدان هستند و باید نسبت به یکدیگر، با روح برادری رفتار کنند».

بنابراین ماده ۱ اعلامیه، همه افراد بشر را از لحاظ ذات، برابر دانسته و آن‌ها را همانند حلقه‌های زنجیر به یکدیگر متصل می‌داند. بر اساس این ماده، «تمام افراد بشر، آزاد به دنیا می‌آیند و از نظر کرامت و حقوق با هم برابرند». این ماده، دلیل برابری ذاتی بشر را دارا بودن همه افراد انسانی از عقل و وجدان می‌داند و چون همه انسان‌ها از عقل و وجدان برخوردارند، در نتیجه ماهیتاً با هم برابرند (نوری، ۱۳۹۷: ۷۲).

نظام بین‌المللی حقوق بشر، موظف به شناسایی، تثبیت، حمایت و هنجارسازی حق‌ها برای انسان به ما هو انسان، صرف نظر از هرگونه صفات عرضی است. همچنین با توجه به این‌که یکی از اصول بنیادین این نظام، برابری تمام ابناء بشر در بهره‌مندی از کرامت^۲ و حقوق است، تلاش همه‌جانبه برای تبدیل برابری به هنجاری مسلط در جوامع انسانی و مبارزه با هرگونه تبعیض ناروا، جزء جدانشدنی آن بوده است (ملکی، ۱۴۰۰: ۱۰۵).

۲-۲. مبنای ممنوعیت تبعیض نژادی در فقه اسلامی

تساوی در حقوق و تکالیف، نیازمند وحدت اصل و منشأ مکلف است. از نگاه اسلام، تمامی افراد انسانی از نفس واحد آفریده شده و دارای منشأ خلقت واحد هستند و چون در اصل، منشأ و تکالیف مساوی هستند، نزد خداوند یکسان بوده و هیچ دلیلی برای تفاوت میان آنان وجود ندارد (دباس، ۲۰۱۱: ۳۹). آیات فراوانی در قرآن کریم به طرح مسئله خلقت انسان می‌پردازد؛ آیات اول سوره نساء؛ آیات ۴۰ و ۷۲ سوره نحل؛ آیه ۵۴ سوره فرقان؛ آیات ۳۲ و ۳۳ سوره حجر؛ آیه ۲ سوره علق؛ آیه ۶۱ سوره اسراء؛ آیات ۱۲ و ۱۸۹ سوره اعراف؛ آیه ۷۶ سوره ص؛ آیه ۷ سوره انفطار و آیه ۱۸۴ سوره شعراء از این جمله هستند. هرگاه خداوند از خلقت زن و مرد سخن

1. Rights.
2. Dignity.

می‌گوید، زن و مرد را برابر می‌بیند که هر دو از یک جان و از یک ماده آفریده شده و هیچ ک بخشی از خلقت را به خود اختصاص نداده است.

در فرهنگ قرآنی، برخلاف تفکر نظریه‌پردازانی که به تعدد منشأ انسانی معتقدند، انسان‌ها، فرزندان پدر و مادری واحد به شمار می‌روند. خداوند متعال می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَنِسَاءً وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي تَسَاءَلُونَ بِهِ وَالْأَرْحَامَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَيْكُمْ رَقِيبًا» (نساء: ۱). همچنین می‌فرماید: «هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَجَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا لِيَسْكُنَ إِلَيْهَا...» (اعراف: ۱۸۹). آیات ذکر شده بر خلقت انسان‌ها از مرد و زنی واحد دلالت می‌کنند و منشأ همه انسان‌ها را آدم عَلَيْهِ السَّلَامُ و همسرش می‌دانند. خداوند متعال در جای دیگری می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ» (حجرات: ۱۳).

علامه طباطبایی در تفسیر این آیه می‌نویسد: «اگر شمول آیه را بپذیریم، قرآن همه اختلافات طبقاتی را که موجب تفاخر می‌شود نفی کرده است و هیچ انسانی بر دیگری برتری ندارد، مگر به تقوا» (طباطبایی، ۱۳۸۲: ۴۸۹/۱۸). نتیجه این که اسلام «فکر برابری عمومی» را که به صورت یک مسئله سیاسی و اجتماعی مطرح است بر پایه‌های فلسفی و علمی می‌نشانند تا اولاً یک اصل مسلم طبیعی معرفی کند و ثانیاً «برابری انسان‌ها» را از «برابری حقوقی» تا درجه «برادری حقوقی» بالا ببرد و به اصطلاح خود اسلام، «برابری» را تا «برادری» ارتقا دهد.

۴. عناصر تشکیل دهنده جنایت تبعیض نژادی

عناصر اختصاصی جنایت تبعیض نژادی با توجه به بند «ی» پاراگراف ۱ ماده ۷ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی (موضوع جنایت علیه بشریت) از طریق تبعیض نژادی، از قرار ذیل است: ۱. مرتکب، عمل ضد بشری را حداقل علیه شخص یا اشخاصی مرتکب شده باشد؛ ۲. عمل مذکور یکی از اعمال اشاره شده در پاراگراف ۱ ماده ۷ اساسنامه یا عملی با خصوصیت مشابه با هریک از اعمال مذکور باشد؛ ۳. مرتکب از اوضاع و احوال واقعی که خصوصیت عمل را مسلم کرده، آگاه باشد؛ ۴. عمل در چارچوب سیاست تثبیت شده‌ای مبنی بر فشار سیستماتیک و سلطه یک گروه نژادی بر گروه یا گروه‌های دیگر نژادی ارتکاب یافته باشد؛ ۵. مرتکب، قصد تداوم این سیاست را به وسیله عمل خود داشته باشد؛ ۶. عمل

مذکور به عنوان بخشی از یک حمله گسترده یا سیستماتیک علیه یک جمعیت غیر نظامی ارتکاب یافته باشد؛ ۷. مرتکب می دانسته یا قصد آن را داشته که عمل وی بخشی از یک حمله ای گسترده یا سیستماتیک علیه یک جمعیت غیر نظامی باشد (محمد نسل، ۱۳۸۵: ۲۳۱).

۱-۴. عنصر قانونی تبعیض نژادی

۱-۴-۱. عنصر قانونی تبعیض نژادی در حقوق بین الملل

در حقوق بین الملل، اسنادی زیادی وجود دارد که بر ممنوعیت تبعیض نژادی تأکید می کند. ابتدا به مهمترین اسناد بین المللی مرتبط با تبعیض نژادی اشاره شده و سپس اسناد خاص مرتبط با تبعیض در حقوق بین المللی کیفری بررسی می شود. مهمترین اسناد بین المللی که بر ممنوعیت تبعیض نژادی اشاره دارند از قرار ذیل است:

۱. منشور سازمان ملل متحد، مصوب ۲۶ ژوئن ۱۹۴۵؛^۱
 ۲. مواد ۲ و ۳ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی، ۱۶ دسامبر ۱۹۶۶؛
 ۳. مواد ۲ و ۳ میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، ۱۶ دسامبر ۱۹۶۶؛
 ۴. کنوانسیون بین المللی منع و مجازات ژنو ساید، ۹ دسامبر ۱۹۴۸؛
 ۵. کنوانسیون بین المللی محو کلیه اشکال تبعیض نژادی، ۲۱ دسامبر ۱۹۶۵؛
 ۶. کنوانسیون بین المللی منع و مجازات جنایت آپارتاید، ۳۱ نوامبر ۱۹۷۳؛
 ۷. کنوانسیون حقوق کودک، سال ۱۹۸۹؛
 ۸. مقاله نامه شماره ۱۱۱ سازمان بین المللی کار، ۴ ژوئن ۱۹۵۸؛
 ۹. کنوانسیون رفع تبعیض در امر تعلیمات (یونسکو)، ۱۵ دسامبر ۱۹۶۰.
- علاوه بر اسناد کلی، دو سند خاص پیرامون این مسئله وجود دارد که می توان آن ها را اسناد حقوق بشری محور در بحث نژادپرستی و تبعیض نژادی قلمداد کرد: ۱. کنوانسیون بین المللی رفع هر نوع تبعیض نژادی، مصوب ۱۹۶۵؛ ۲. کنوانسیون بین المللی منع و مجازات جنایت آپارتاید، ۳۱ نوامبر ۱۹۷۳.

نکته مهم و قابل توجه در مورد این اسناد این است که تابعان حقوق بین الملل، یعنی دولت ها مکلف به متابعت از احکام این قوانین هستند. این کنوانسیون ها، دولت ها را مکلف می کنند

۱. اعلامیه جهانی حقوق بشر (ماده ۲)، اعلامیه رفع هر نوع تبعیض نژادی مصوب ۲۰ نوامبر ۱۹۶۳ سازمان ملل و قطعنامه ۱۹۰۴ دوره هجدهم مجمع عمومی نیز هر چند اعلامیه هستند و جنبه تعهدآوری معاهده را ندارند، نقش و نفوذ عمیق آن ها، خصوصاً اعلامیه جهانی حقوق بشر در جنبه های مختلف مربوط به حقوق بشر و در تنظیم کنوانسیون های الزام آور، قابل انکار نیست.

که احکام این قوانین را در حق شهروندان اجرا کنند، ولی خود کنوانسیون‌ها به طور مستقیم، افراد و اعمال آن‌ها را مورد حکم قرار نمی‌دهند. در مقابل، اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی هر چند به صورت تکمیلی، صلاحیت خودش را مستقیماً بدون واسطه بر افراد تحمیل می‌کند. اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری در ماده ۷ (جنایت‌های علیه بشریت) آورده است: «در راستای اهداف این اساسنامه، «جنایت علیه بشریت» به معنای هر یک از اعمال ذیل است، در صورتی که به عنوان بخشی از یک حمله گسترده یا سازمان‌افته علیه هر جمعیت غیرنظامی (با علم به آن حمله) ارتکاب گردد: .. (ی) جنایت تبعیض نژادی».

بنابراین عنصر قانونی جنایت تبعیض نژادی عبارت است از ماده ۷ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی، مواد ۳۰۱ کنوانسیون بین‌المللی منع و مجازات جنایت آپارتاید، مصوب ۳۰ نوامبر ۱۹۷۳ و کنوانسیون بین‌المللی رفع هر نوع تبعیض نژادی، مصوب ۱۹۶۵.

۴-۱-۲. عنصر قانونی تبعیض نژادی در فقه اسلامی

اسلام، فرایند تاریخی جهان‌شمولی است که با گرایش‌های اجتماعی و روشنی‌تعالیم خود در مدتی کوتاه، سرزمین‌های متمدن را زیر سیطره فکری خود درآورده و با عصبیت و تبعیض‌های قومی و نژادی مبارزه کرده است. جالب این‌که دین اسلام بیش از آنکه تبعیض را نکوهش کرده باشد، به مساوات (که ضد تبعیض است) فرمان می‌دهد. مساواتی که اسلام میان افراد بشر قائل است، شامل سه قسمت زیر است:

الف: تساوی در اصل انسانیت

اسلام معتقد است: آفریدگار تمام موجودات و تمام افراد بشر، یکی است و غیر از او، آفریدگار دیگری وجود ندارد و خدای شما خدای یکتا است. از نظر اسلام، تمام افراد بشر از هر نژاد و رنگ از یک پدر و مادر آفریده شده و با هم برادر و برابرند. لذا همواره آن‌ها را با کلمه «يَا أَيُّهَا النَّاسُ» و یا بنی آدم، ای فرزندان آدم خطاب می‌کند (موسسزاده و شکر، ۱۳۹۵: ۴۷۰).

ب: مساوات در حقوق و تکالیف

به جهت این‌که افراد بشر از لحاظ انسانیت با هم برابر و از جهت آفرینش، با هم برادرند، اسلام آنان را در حقوق و تکالیف انسانی نیز برابر و یکسان می‌داند. رسول خدا ﷺ درباره این اصل که همه مردم در برابر قانون مساوی هستند می‌فرماید: «الخلق أمام الحق سواء»؛ مردم در

برابر قانون، مساوی هستند. همچنین می‌فرماید: «الَّتَائِسُ سَوَاءٌ كَأَشْنَانِ الْمُشْرِطِ»؛ مردم مانند دندانه‌های شانه با هم برابرند (موسی‌زاده و شگری، ۱۳۹۵: ۴۷۹).

ج: مساوات در داوری و اجرای قوانین

اسلام در قانون‌گذاری، داوری و اجرای قوانین به صراحت و قاطعیت، شاه و رعیت، فقیر و غنی، شریف و وضعی، سیاه و سپید، زن و مرد، همه و همه را در برابر قانون، یکسان می‌بیند و در اجرای قانون، هر نوع تبعیض و جانب‌داری بیجا را غلط و ظالمانه می‌داند (موسی‌زاده و شگری، ۱۳۹۵: ۴۹۱). قرآن کریم به مردم دستور می‌دهد: «هرگاه میان یکدیگر حکم کردید باید به عدالت حکم کنید» و نیز می‌گوید: «گفتار شما هم درباره خویش و بیگانه نباید از حدود عدالت، بیرون باشد»؛ «وَإِذَا قُلْتُمْ فَاعْدِلُوا وَلَوْ كَانَ ذَا قُرْبَىٰ» (انعام: ۱۵۲). عدالتی که اسلام می‌خواهد شامل حال دوست و بیگانه است: «كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ شُهَدَاءَ لِلَّهِ وَلَوْ عَلَىٰ أَنفُسِكُمْ أَوِ الْوَالِدَيْنِ وَالْأَقْرَبِينَ» (نساء: ۱۳۵).

۲-۴. عنصر مادی تبعیض نژادی

عنصر مادی جنایت تبعیض نژادی عبارتند از:

۱-۲-۴. عنصر مادی تبعیض نژادی از منظر حقوق بین‌الملل کیفری

اساسنامه رم، رکن مادی را متشکل از سه جزء رفتار، شرایط و نتیجه دانسته است. در این قسمت، هریک از این اجزا با توجه به جنایت تبعیض نژادی، بررسی می‌شود:

۱-۲-۴. رفتار مادی فزیک

اساسنامه دیوان در مورد مصادیق تبعیض نژادی، توضیحی ارائه نکرده، اما کنوانسیون بین‌المللی منع و مجازات جنایت آپارتاید (مصوب ۳۰ نوامبر ۱۹۷۳) در ماده ۲، اقدام به تعیین مصادیقی برای این جنایت کرده و آورده است:

«از نظر این کنوانسیون، واژه "جنایت آپارتاید" که سیاست‌ها و رویه‌های مشابه جدایی نژادی و تبعیض نژادی را که در آفریقای جنوبی اعمال می‌گردد، شامل می‌شود، به دیگر اعمال غیرانسانی که به منظور ایجاد و برقراری سلطه یک گروه نژادی بر گروه نژادی دیگر انجام می‌گردد و به طور سیستماتیک آنان را مورد ظلم قرار می‌دهد نیز اطلاق می‌گردد:

۱. بند ۲ از مقدمه کلی عناصر اختصاصی جرائم، مصوب ۲۰۰۲/۹/۹.

الف: انکار حق حیات یا آزادی شخصی در مورد عضو یا اعضای یک گروه و یا گروه‌های نژادی از طریق: ۱. قتل عضو یا اعضا یک گروه و یا گروه‌های نژادی؛ ۲. وارد آوردن صدمات شدید روحی و جسمی بر یک گروه و یا گروه‌های نژادی به وسیله نقض آزادی و یا حیثیت آن‌ها و یا شکنجه نمودن، یا انجام رفتار و یا مجازات ظالمانه، غیرانسانی و تزدیلی در مورد آنان؛ ۳. حبس غیرقانونی اعضای گروه و یا گروه‌های نژادی؛

ب: تحمیل تعمدی شرایط زندگی بر یک گروه و یا گروه‌های نژادی که غرض از آن نابودی تمام یا قسمتی از گروه و یا گروه‌های مزبور باشد؛

ج: هرگونه اقدامات قانونی و یا اقدامات دیگر که منظور از آن‌ها، بازداشتن گروه و یا گروه‌هایی از مشارکت در زندگی سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی کشور، ایجاد تعمدی شرایطی جهت جلوگیری از توسعه یک چنین گروه یا گروه‌هایی به خصوص با محروم کردن اعضای یک گروه و یا گروه‌های نژادی از حقوق بشر و آزادی‌ها، شامل حق کار، حق تشکیل اتحادیه‌های کارگری مجاز، حق تحصیل، حق ترک و بازگشت به وطن، حق داشتن ملیت، حق آزاد بودن در رفت و آمد یا اقامت، حق آزادی عقیده و بیان، حق آزادی تشکیل مجمع و یا انجمن مسالمت‌آمیز؛

د: هرگونه اقدام، از جمله اقدامات قانونی که منظور از آن‌ها تقسیم جمعیت بر اساس مرزهای نژادی از طریق ایجاد جایگاه‌ها و محله‌های جداگانه برای اعضای گروه و یا گروه‌های نژادی، تحریم ازدواج‌های مختلط در بین اعضای گروه‌های نژادی مختلف، سلب مالکیت ارضی از اعضای یک گروه یا گروه‌های نژادی باشد؛

ه: استعمار از نیروی کار و اعضای گروه‌های نژادی به خصوص با تکلیف نمودن کار اجباری به آنان؛

و: تعقیب و آزار سازمان‌ها و اشخاصی که مخالف آپارتاید باشند، از طریق محروم نمودن آنان از حقوق و آزادی‌های سیاسی».

نکته مهم اینکه ارتکاب جنایت علیه بشریت که تبعیض نژادی، مصداقی از آن است با ترک فعل نیز قابل تحقق است. بنابراین عدم اقدام یا ترک فعل صورت گرفته، چنانچه ناشی از اجرای سیاست و برنامه باشد، می‌تواند موجبات مسئولیت کیفری در تسهیل ارتکاب جنایت علیه بشریت را فراهم سازد.

۴-۱-۲. شرایط و اوضاع و احوال لازم برای تحقق جنایت تبعیض نژادی

صرف نظر از عناصر اختصاصی جنایت تبعیض نژادی، وجود عناصر عامی برای تحقق این جنایت لازم است تا ارتکاب تبعیض نژادی، عنوان «جرائم علیه بشریت» را نیز پیدا کند؛ یعنی اگر این عناصر در عملی وجود نداشته باشد، عمل ارتكابی، مصداق جنایت علیه بشریت شمرده نمی‌شود، بلکه ممکن است فقط یک جرم تبعیض ساده شمرده شود (ریسی، ۱۳۸۴: ۹۸). شرایطی که برای تحقق این جرم به عنوان مصداقی برای جنایت علیه بشریت ضروری شمرده شده، عبارتند از:

۱. عمل مجرمانه بخشی از یک حمله^۱

یکی از شرایط عمومی جنایات علیه بشریت این است که عمل مجرمانه، بخشی از یک حمله باشد. متن ماده ۷ اساس نامه دیوان کیفری بین‌المللی در این مورد بیان می‌دارد: «در راستای اهداف این اساسنامه، "جنایت علیه بشریت" به معنای هر یک از اعمال ذیل است، در صورتی که به عنوان بخشی از یک حمله گسترده یا سازمان یافته علیه هر جمعیت غیرنظامی (با علم به آن حمله) ارتکاب گردد». مراد از حمله در ماده ۷ اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی به عنوان یکی از عناصر تشکیل دهنده جنایت ضد بشریت، هر گونه فعالیت است که سبب بروز آسیب به قربانیان آن باشد؛ اعم از اینکه این حمله توأم با کاربرد زور با توأم با اجبار و الزام باشد. بنابراین حمله مورد نظر در اینجا الزاماً به معنای انجام عملیات نظامی نیست (خالقی، ۱۳۹۴: ۸۰).

۲. گستردگی یا سازمان افنگی حمله^۲

اعمال تبعیض نژادی در صورتی مصداق جنایت علیه بشریت تلقی می‌شود که بخشی از حمله گسترده یا سازمان یافته باشد. در توضیح دو مفهوم «گسترده» و «سیستماتیک» باید گفت که مفهوم «گسترده»، ناظر به مقیاس حمله، بزرگی آن و شمار قربانیان است، در حالی که عبارت «سیستماتیک»، ناظر بر طبیعت سازمان یافته، از پیش طراحی شده و عدم وقوع اتفاقی اعمال مجرمانه هست. در عین این که وصف «گستردگی» و «سازمان افنگی» هر کدام به طور مستقل، شرط تحقق جرائم ضد بشری لحاظ شده، ضرورتی ندارد که حمله، هم سازمان یافته و هم گسترده باشد.

1. «committed as part of a[an]...attack».
2. widespread or systematic attack.

۳. گروه غیرنظامی هدف حمله^۱

ماده ۷ اساس نامه دیوان کیفری بین‌المللی تأکید می‌کند که قربانیان تبعیض نژادی، الزاماً باید از گروه‌ها و جمعیت‌های غیرنظامی باشند. تبعیض نژادی در قالب جنایت علیه بشریت، اصولاً نسبت به غیرنظامیان و شهروندان عادی رخ می‌دهد و اساساً اعضای نیروهای مسلح، قربانی آن شمرده نمی‌شوند، درحالی‌که در جنایات جنگی، غالباً قربانیان از اعضای نیروهای مسلح بوده و غیرنظامیان در موارد اندکی نظیر بمباران شهرها، قربانی این جنایت محسوب می‌شوند (همان).

۴. آگاهی مرتکب از گستردگی یا سیستماتیک بودن حمله^۲

یکی دیگر از شرایط عمومی جنایات علیه بشریت، این است که مرتکب با علم و آگاهی از وجود یک حمله گسترده یا سیستماتیک علیه یک جمعیت غیرنظامی، مرتکب جنایت علیه بشریت گردد، اگرچه لازم نیست این علم و آگاهی به طور تفصیلی و دقیق باشد. همین‌طور مرتکب باید از این‌که اعمال مجرمانه‌اش قسمتی از این حمله را تشکیل می‌دهد آگاه باشد و این امر، مستلزم دانستن تمام عملیات تهاجمی با جزئیات نیست. علاوه بر این، آگاهی می‌تواند واقعی یا از پیش فرض شده باشد. به طور واضح‌تر اینکه لزومی ندارد نشان داده شود که مجرم می‌دانسته که این عملیات، غیرانسانی و یا در حد جنایات ضد بشری بوده است.

۳-۱-۲-۴. نتیجه حاصل از رفتار مجرمانه مرتکب

جرم در یک تقسیم‌بندی به مطلق و مقید تقسیم می‌شود. جرم مطلق، جرمی است که صرف ارتکاب رفتار مجرمانه برای تحقق آن کافی است و نیاز به نتیجه ندارد، مثل شهادت کذب. جرم مقید، جرمی است که صرف رفتار مجرمانه برای ایجاد آن کفایت نمی‌کند، بلکه باید نتیجه مورد نظر قانون نیز ایجاد شود (حاجی ده‌آبادی، ۱۳۹۶: ۲۱۳). منظور از نتیجه در جرایم، واقعه‌ای است که به طور معمول مؤخر بر رفتار یا هم‌زمان با آن حاصل می‌شود و باید معلول رفتار مرتکب باشد. جنایت تبعیض نژادی، جرمی است مقید به نتیجه. بنابراین انکار حق حیات یا آزادی شخصی، تحمیل تعمدی نابودی، هرگونه اقدام جهت جلوگیری از توسعه گروه از طریق محروم کردن اعضای آن از حقوق بشر و آزادی‌ها، هرگونه اقدام به منظور تقسیم جمعیت بر اساس

1. Widespread or systematic attack directed against any civilian population.

2. «With knowledge of the attack».

مرزهای نژادی، استثمار از نیروی کار و اعضای گروه‌های نژادی، تعقیب و آزار سازمان‌ها و اشخاصی که مخالف آپارتاید باشند، تحقق جنایت تبعیض نژادی را سبب خواهد شد. اینکه این نتایج، بی‌درنگ پس از افعال فیزیکی تحقق یابد یا بعد از مدت طولانی، تفاوت نمی‌کند مشروط بر این‌که عامل دیگری، رابطه سببیت میان این رفتار و نتایج متوقعه را قطع نکند.

۲-۲-۴. عنصر مادی تبعیض نژادی از منظر فقه اسلامی

۱-۲-۲-۴. رفتار مادی فیزیکی از منظر فقه اسلامی

آنچه در نگاه اول از «تبعیض نژادی» به ذهن خطور می‌کند، جرم ساده‌ای است که بیشتر دارای پیامدهای اخلاقی است تا آثار حقوقی و جزایی. به همین دلیل ممکن است تصور شود که برخلاف اسناد بین‌المللی، شریعت اسلام چندان اهمیتی به آن قائل نشده است. با بررسی مصادیق جنایت تبعیض نژادی که در ماده ۲ کنوانسیون بین‌المللی منع و مجازات جنایت آپارتاید (مصوب ۲۰ نوامبر ۱۹۷۳) و بند «ی» پاراگراف ۱ ماده ۷ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی (جنایت علیه بشریت) آمده است و انجام سیستماتیک این جنایت و مقایسه آن‌ها با فقه جزایی اسلام، این حقیقت به دست می‌آید که هرچند این مصادیق از منظر فقه اسلامی تحت عنوان مشخص جنایت تبعیض نژادی، مورد نهی و یا جرم‌انگاری قرار نگرفته، هریک از این مصادیق به صورت مشخص از سوی قانون‌گذار اسلامی مذمت شده و به صراحت ممنوع اعلام گردیده است. درنهایت، برای مرتکبین آن‌ها، مجازات سختی از سوی شریعت در نظر گرفته شده است.

آنچه را که ماده ۲ کنوانسیون بین‌المللی منع و مجازات جنایت آپارتاید (مصوب ۳۰ نوامبر ۱۹۷۳)، از مصادیق جنایت تبعیض نژادی شمرده، از منظر فقه اسلامی نه تنها منکرات اخلاقی صرف نیستند، بلکه جنایات‌های شنیعی هستند که به شدت نهی شده و شریعت اسلام برای مرتکبین آن‌ها مجازات سختی در نظر گرفته است. بنابراین انکار حق حیات یا آزادی شخصی از طریق قتل یا وارد آوردن صدمات شدید روحی و جسمی با نقض آزادی و یا حیثیت آن‌ها و یا شکنجه یا انجام رفتار و یا مجازات ظالمانه، غیرانسانی و تزدیلی و یا حبس غیرقانونی و خودسرانه اعضای گروه و یا گروه‌های نژادی، تحمیل تعمدی نابودی، هرگونه اقدام جهت جلوگیری از توسعه گروه از طریق محروم کردن اعضای آن از حقوق بشر و آزادی‌ها، هرگونه اقدام به منظور تقسیم جمعیت بر اساس مرزهای نژادی، استثمار از نیروی کار

و اعضای گروه‌های نژادی، تعقیب و آزار سازمان‌ها و اشخاصی که مخالف آپارتاید باشند که رفتارهای فیزیکی جنایت تبعیض نژادی (مصادیق جنایت تبعیض نژادی) هستند، همگی جرم کیفری بوده و در شریعت اسلامی، منع کیفری دارند. چه بسا در فقه اسلامی، مواردی مثل انکار حق حیات از طریق قتل اعضای گروه نژادی دیگر، کیفرهایی به مراتب شدیدتر از آنچه در حقوق بین‌الملل کیفری برای آن‌ها مقرر شده، دارند.

۲-۲-۲-۴. شرایط و اوضاع و احوال لازم برای تحقق جنایت تبعیض نژادی از منظر فقه اسلامی
دومین جزء عنصر مادی عبارت است از شرایط و اوضاع و احوالی که مقنن وجود یا فقدان آن‌ها را برای تحقق جرم ضروری دانسته است. این شرایط ممکن است مربوط به مجرم، قربانی، زمان و مکان ارتکاب جرم باشد. از آنجایی که عنوان مجرمانه‌ای تحت عنوان «تبعیض نژادی» در فقه اسلامی وجود ندارد، در فقه اسلامی برای تحقق جنایت تبعیض نژادی، هیچ شرطی خاصی وجود ندارد، هرچند مصادیق این جنایت در فقه، جرمانگاری شده و ممنوع دانسته شده است (خمینی، ۱۳۸۹: ۸۹).

۳-۲-۲-۴. نتیجه حاصل از رفتار مجرمانه مرتکب جنایت تبعیض نژادی از منظر فقه اسلامی
سومین جزئی که برای تکمیل عنصر مادی جرم، لازم است، وقوع نتیجه مشخص شده از سوی مقنن است (میر محمد صادقی، ۱۳۸۹: ۲۳)، هرچند لزوم وجود «نتیجه مجرمانه» در جرایم مقید، یک امر عقلی است؛ زیرا بدون تحقق نتیجه مجرمانه، اصل جرم نیز قابل تحقق نیست؛ چراکه در جرایم مقید مثل «قتل»، با وجود تمامی ارکان و عناصر، بدون تحقق نتیجه، یعنی مرگ مجنی علیه، هنوز جرم قتل انجام نیافته است. فقها نیز وجود نتیجه مجرمانه را در جرایم مقید، الزامی دانسته‌اند (موسوی بجنوردی، ۱۳۷۹: ۲/۲۶۰؛ مکارم، ۱۴۲۷: ۳/۴۲۷). بنابراین جنایت تبعیض نژادی (مصادیق یا قربان آن‌ها از منظر فقه) نیز برای تحقق، نیازمند تحقق نتیجه خواهد بود و بدون تحقق نتایج، هرچند مرتکب، قصد مجرمانه داشته و عمل ممنوعه قانونی، دارای نتایج زیان‌بار اجتماعی باشد، جرم مورد نظر تحقق نیافته و مرتکب قابل مجازات نخواهد بود.

۳-۴. عنصر معنوی تبعیض نژادی

۱-۳-۴. عنصر معنوی تبعیض نژادی از منظر حقوق بین‌الملل کیفری

با بررسی مواد مختلف اساسنامه رم، به ویژه مواد ۳۱ و ۳۳ و بندهای ۴ و ۵ مقدمه کلی سند عناصر جرایم، می‌توان به شناخت اجزای تشکیل‌دهنده رکن معنوی جنایات عمدی در صلاحیت

دیوان دست افت. ماده ۳۰ اساسنامه^۱ با عنوان «عنصر معنوی» در این زمینه بیان می‌دارد:

۱. «جز مواردی که به نحو دیگری مقرر شده باشد، شخص فقط در صورتی در خصوص یکی از جنایات‌های مشمول صلاحیت دیوان از نظر کیفری، مسئول و مستحق مجازات خواهد بود که اجزای مادی عمل وی، توأم با علم و قصد ارتکاب یافته باشد؛

۲. در راستای اهداف این ماده، وجود قصد مفروض است در صورتی که الف: در رابطه با رفتار، شخص مذکور قصد درگیر شدن در آن رفتار را داشته باشد؛ ب: در رابطه با نتیجه، شخص مذکور قصد ایجاد نتیجه را داشته باشد یا آگاه باشد که این نتیجه در روند طبیعی حوادث حاصل خواهد شد؛

۳. در راستای اهداف این ماده، علم به معنای آگاهی از این امر است که شرایطی وجود دارد یا نتیجه‌ای در روند طبیعی حوادث حاصل خواهد شد. الفاظ «علم» و «عالما»، بر اساس این تعریف تفسیر خواهد شد».

۱. عمد در فعل

در متن ماده ۷ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی علاوه بر کلمات و عباراتی نظیر «سازمان افته»، «عمد»، «عامداً» و «اجباری»، در بند ۱ ماده ۳۰ اساسنامه مذکور با عنوان رکن معنوی مقرر شده است: «جز در مواردی که به نحو دیگری مقرر شده باشد، هیچ‌کس دارای مسئولیت کیفری نیست و نمی‌تواند به دلیل ارتکاب یکی از جنایاتی که رسیدگی به آن در صلاحیت این دیوان است، مجازات شود، مگر این‌که عنصر مادی جرم همراه با قصد و علم نیز باشد». با توجه به مفاد این بند، اصل کلی در رکن معنوی جنایات بین‌المللی مبتنی بر عمد است. بنابراین نقض مقررات بین‌المللی ناظر بر جنایت علیه بشریت زمانی قابل تعقیب خواهد بود که با قصد مجرمانه، توأم شود. عناصر اصلی در رکن معنوی این جنایت، علم و آگاهی شخص به رکن مادی، نوع رفتار انتخابی و عزم وی به اجرای آن است که به سوء نیت عام تعبیر می‌شود. در مقابل، طبق ماده ۳۳ اساسنامه، این‌که متهم چه دلیل یا انگیزه‌ای برای ارتکاب جرم داشته، تأثیری در وقوع جرم ندارد.

۱. احصاء عنصر روانی در ماده ۳۰ اساسنامه رم اولین سند مکتوب عنصر روانی جنایات بین‌المللی هست، هرچند از لحاظ تاریخی از زمان تشکیل دیوان نورنبرگ عملاً قضات دیوان‌های بین‌المللی برای بررسی عنصر روانی از عرف‌های ایجاد شده استفاده می‌نمودند.

۲. قصد نتیجه

قصد نتیجه عبارت است از اراده و خواست مرتکب به تحصیل نتیجه دلخواه یا قصد مجرمانه خاص می باشد (خالقی، ۱۳۹۴: ۸۲، ۸۱). در جنایت علیه بشریت، متهم باید از قصد عام (سوء نیت عام) برخوردار باشد، ولی در مورد شرط وجود قصد خاص در تعریف جنایت علیه بشریت مندرج در صدر ماده ۷ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی، قیدی وجود ندارد. در تعریف جنایت علیه بشریت منحصرأ به علم به وجود حمله با تهاجم، اکتفا شده است. عدم اشتراط سوء نیت خاص در تعریف جنایت علیه بشریت، قابل توجیه است؛ زیرا برخلاف جنایت نسل‌زدایی که مقصود نهایی یا قصد خاص متهم، واحد است، (یعنی نابودی تمام یا بخشی از یک گروه قومی)، در جنایت علیه بشریت، نام بردن یا مقید ساختن قصد خاص در یک قسم معین، ناممکن به نظر می‌رسد. تنوع جنایات فهرست شده در ماده ۷ و پراکندگی آن‌ها به نحوی است که در یک سنخ همگون قرار نمی‌گیرند. بنابراین ناپدیدسازی اجباری از تبعیض نژادی، کاملاً متمایز و متفاوت است. همچنین قتل عمد با انتقال جمعیت از یک ناحیه به ناحیه دیگر در قلمرو سرزمینی، نمی‌تواند قصد خاص یا سوء نیت خاص مشترک داشته باشد، هرچند بستر ارتكابی همه آن جنایات، نادیده گرفتن کرامت و حقوق انسانی است. باین حال، به دلیل تنوع مصادیق و ناهمگونی بسیاری از آن‌ها با یکدیگر، چه بسا سوء نیت خاص به هر مصداقی از آن‌ها تعلق گرفته و به نحوی که متفاوت از قصد خاص در جنایت دیگر باشد، تفسیر شود. از این رو، در ماده ۷ اساس نامه به قصد خاص به طور مشترک برای تمامی مصادیق جنایت علیه بشریت اشاره نشده است.

۲-۳-۴. عنصر معنوی تبعیض نژادی از منظر فقه اسلامی

«اگر کسی از حقوق اسلامی، شناخت جزئی هم داشته باشد، تصدیق می‌کند که تمام قواعد جدیدی که تا قرن ۱۹ و اوایل قرن بیستم برای قوانین وضعی ناشناخته بود، حقوق اسلامی آن‌ها را از نخستین روزهای پیدایش، شناسایی کرده و جزو قواعد مبنایی خود به شمار آورده است. در حقوق جزای اسلام، عمل مرتکب در صورتی جرم محسوب می‌شود که اولاً شخص مرتکب، اراده ارتكاب عمل را داشته باشد و ثانیاً این عمل را با قصد مجرمانه (سوء نیت) یا با خطای جزایی، یعنی بی‌مبالاتی یا بی‌احتیاطی یا عدم رعایت مقررات و ضوابطی که فاعل این‌گونه اعمال باید آن را رعایت کند انجام دهد. بنابراین چنانچه شخص، قصد ارتكاب عمل

را نداشته و کسی او را بدون اختیار به انجام عمل مجبور کرده باشد، این عمل را با سوء نیت یا خطای جزایی انجام نداده است و اگر کلیه ضوابط و مقرراتی را که باید در انجام عمل رعایت کند، رعایت کرده باشد، در این صورت جرم، فاقد عنصر روانی است و به هیچ وجه نمی توان مرتکب آن را مجازات نمود» (گرگی، ۱۳۶۵: ۱/۳۲۴).

اصولاً باید جرم را عملی همراه با قصد دانست؛ چون تنها با قصد، معنا پیدا می کند (محمدی، ۱۳۸۹: ۸۴). همین حقیقت در مفاد حدیث: «لکل امرء ما نوى» جز این نیست که اعمال به نیت هاست (طوسی، ۱۴۰۷: ۵۱۴۰۷؛ ابن حنبل، ج ۱، صفحه ۴ و ۱۵۶) نهفته است که هر انسانی را در گرو نیت خود می داند. اهل سنت نیز با عنایت به همین احادیث، قاعده «الامور بمقاصدها» را تنظیم کرده و در محل های متفاوتی از آن بهره برده اند. در عین حال در حقوق اسلام، رکن روانی جرم به شیوه ای که پیش تر مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت، بحث نشده و تعریف آن به شکل تعریف منطقی به حد یا رسم ارائه نشده است، بلکه به اجزای رکن روانی جرم به طور مجزا پرداخته شده است. قرآن کریم در این باره می فرماید: «... وَ لَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ فِيمَا أَخْطَأْتُمْ بِهِ وَ لَكِنْ مَا تَعَمَّدَتْ قُلُوبُكُمْ...» (احزاب: ۵؛ نساء: ۹۴)؛ یعنی اگر عملی بدون قصد از شما صادر شود، درباره آن مواخذه و مجازات نمی شوید، ولی اگر عملی را با علم و عمد انجام دهید، مواخذه و مجازات دارد (قیاسی و دیگران، ۱۳۸۰: ۲/۲۰۳).

با توجه به مطالب مذکور، وفق مقررات اسلامی، هیچ مجازاتی در مورد هیچ عملی از جمله جنایت تبعیض نژادی، بدون وجود عناصر سه گانه جرم، به ویژه عنصر روانی آن قابل اعمال نیست.

۵. ضمانت اجرای جنایت تبعیض نژادی

۱-۵. ضمانت اجرای جنایت تبعیض نژادی در حقوق بین الملل کیفری

ماده ۷۷ اساسنامه دیوان کیفری بین المللی در رابطه با مجازات مرتکبین جنایات بین المللی از جمله جنایت تبعیض نژادی (در قالب جنایت علیه بشریت) مجازات ذیل را مقرر کرده است: «۱. محکمه می تواند طبق ماده ۱۱۰ این اساسنامه، یکی از مجازات ذیل را در مورد شخصی که به ارتکاب جرایم مندرج ماده ۵ این اساسنامه محکوم شده، اعمال نماید:

الف: حبس برای یک دوره چندساله‌ی مشخص که نمی تواند پیش از ۳۰ سال باشد؛
ب: حبس ابد، در صورتی که شدت جرم ارتکاب یافته و شرایط فردی شخص محکوم، چنین

مجازات را توجیه نماید؛

۲. علاوه بر حبس، محکمه می‌تواند مجازات ذیل را حکم دهد:

الف: پرداخت جریمه برحسب معیارهای مقررشده در اصول داخلی و ادله اثبات دعوا؛
ب: جبران خسارات از درآمد، ملک یا دارایی که به طور مستقیم یا غیرمستقیم از ارتکاب جرم حاصل شده باشد، بدون آنکه به حقوق اشخاص ثالث بی‌گناه، آسیبی وارد شود».
بنابراین انواع مجازات قابل تطبیق بر مرتکب جنایت تبعیض نژادی از قرار ذیل است:

۱-۱-۵. مجازات حبس

مجازات اصلی پیش‌بینی شده در اساسنامه دیوان، حداکثر ۳۰ سال حبس است، ولی بند b از فقره ۱ ماده ۷۷، در مواردی که شدت جرم و شرایط فرد محکوم ایجاب کند، دیوان را به اعمال مجازات حبس ابد نیز قادر ساخته است. ماده ۱۶۵ آئین دادرسی و ادله تحت عنوان «تعیین مجازات» ذیل فصل هفتم که از سوی کمیسیون مقدماتی دیوان پذیرفته شده، مفصل نیست، اما فراگیر است. دیوان کیفری بین‌المللی، علاوه بر اهمیت و شدت جرم و اوضاع و احوال محکوم علیه، مواردی از قبیل میزان صدمه وارده به ویژه صدمه وارده شده به قربانیان و خانواده‌های آنان، رفتار و وسایل غیرقانونی استفاده شده برای ارتکاب جرم، میزان مشارکت محکوم علیه، درجه قصد، اوضاع و احوال مؤثر بر رفتار، زمان و مکان، شرایط سنی، تحصیلی، اجتماعی و اقتصادی محکوم را در نظر می‌گیرد (شیاپیزی، ۱۳۸۳: ۱۳۷۷، ۳۷۶).

۲-۱-۵. مجازات حبس ابد

اساسنامه دیوان در بند b از فقره ۱ ماده ۷۷، یکی از مجازات مرتکبین را حبس ابد تعیین کرده است، مشروط بر این‌که با شدت جنایت و شرایط شخصی محکوم علیه قابل توجیه باشد. بنابراین مجازات حبس ابد، شدیدترین کیفری است که طبق اساسنامه دیوان می‌توان آن را بر یک مجرم بین‌المللی تحمیل کرد، هرچند برخی رهبران مذهبی مانند پاپ، با اعمال مجازات حبس ابد مخالف‌اند و عقیده دارند که این کیفر، نوعی اعدام مخفی است (خالقی، ۱۳۹۴: ۲۰۶).

۳-۱-۵. مجازات تکمیلی پرداخت جریمه و مصادره اموال

بند ۲ ماده ۷۷ مقرر داشته است که دیوان می‌تواند علاوه بر حبس، دستورات زیر را نیز صادر کند: «الف: پرداخت جریمه برحسب معیارهای مقررشده در اصول داخلی و ادله اثبات دعوا؛
ب: جبران خسارات از درآمد، ملک یا دارایی که به طور مستقیم یا غیرمستقیم از ارتکاب جرم حاصل شده باشد، بدون آنکه به حقوق اشخاص ثالث بی‌گناه آسیبی وارد شود».

۵-۲. ضمانت اجرای جنایت تبعیض نژادی در فقه اسلامی

ضمانت اجرای هر قانون و قاعده حقوقی بر دو بنیان استوار است: یکی هراس از شرمندگی مرتکب و دیگری بیم از کیفر، اما اگر در برخی از موارد، هیچ‌ک از این دو یافت نشود، انگیزه‌ای برای اجرای قانون باقی نمی‌ماند. قانون‌شکنی اگر پنهانی صورت پذیرد، قانون‌شکن خود را از شرمندگی عمومی رها می‌شمارد، همان‌گونه که اگر قانون‌شکن دارای اقتدار و نفوذ اجتماعی باشد، می‌تواند از کیفر برکنار بماند. در نظام حقوقی اسلام، اجرای قانون با نیت نزدیکی به پروردگار و تخلف از آن با شرمندگی نزد وی همراه می‌گردد، درحالی‌که او «هو معکم اینما کنتم والله بما تعملون بصیر» (الحديد: ۴) بنابراین هرگز کسی برای اجرای قانون، بی‌انگیزه نخواهد بود؛ چراکه «الم يعلم بان الله یری» (العلق: ۱۴).

بنیان دوم (بیم از کیفر) نیز در نظام حقوق بشر اسلام استوار است. در تفکر اسلامی، هرگز کسی را نمی‌توان یافت که بدان پایه‌ومایه از قدرت دست یابد که توان جلوه‌نمایی در برابر قانون الهی را داشته باشد یا خود را از کیفر قانون‌شکنی برهاند؛ زیرا «ولا یحسبن الذین کفروا سبقوا انهم لا یعجزون» (الانفال: ۵۹)؛ یعنی کافران هرگز مپندارند که پیش رفته‌اند و در قبال اراده الهی سبقت گرفته‌اند. به راستی، آنان توان ایستادن در برابر حق را ندارند. (جوادی آملی، ۱۳۸۱: ۸۷).

علاوه بر این دو ضمانت اجرا، فقه اسلامی از ضمانت اجرای دنیوی در قبال جنایات نیز چشم‌پوشیده (... و انزلنا الحديد) (الحديد: ۲۵) و در قبال ارتکاب جرایم از جمله جنایت تبعیض نژادی و مصادیق آن در حقوق بین‌الملل کیفری (البته تحت عناوین دیگر) ضمانت‌های مناسب در نظر گرفته است، مثلاً در قبال انکار حق حیات عضو یا اعضای یک گروه در صورتی که از طریق قتل صورت گیرد، (بسته به مورد) از مجازات قصاص، دیه و حتی در مواردی، اعدام در نظر گرفته است.

نتیجه

مهم‌ترین تفاوت‌های فقه اسلامی از اسناد بین‌المللی ضد تبعیض را می‌توان در دو امر مهم خلاصه کرد:

۱. مبنای ممنوعیت تبعیض نژادی از منظر حقوق بین‌الملل، برابری ذاتی بشر و دارا بودن همه افراد انسانی از عقل و وجدان است و چون همه انسان‌ها از عقل و وجدان برخوردارند، در نتیجه ماهیتاً با هم برابرند. لذا در بهره‌مندی از حقوق بشری نیز با یکدیگر برابر خواهند بود،

در حالی که فقه اسلامی فراتر از آن، تساوی در حقوق و تکالیف را نیازمند وحدت اصل و منشأ بشر می‌داند. از نگاه اسلام، تمامی افراد انسانی از نفس واحد آفریده شده‌اند. بنابراین هیچ دلیلی برای تبعیض میان آنان وجود ندارد.

۲. ممنوعیت تبعیض نژادی تقریباً در تمامی اسناد بین‌المللی حقوق بشری اشاره شده است، اما کنوانسیون بین‌المللی رفع هر نوع تبعیض نژادی (مصوب ۱۹۶۵) و کنوانسیون بین‌المللی منع و مجازات جنایت آپارتاید (۳۱ نوامبر ۱۹۷۳)، صرفاً در موضوع ممنوعیت تبعیض نژادی در حقوق بین‌الملل به تصویب رسیده‌اند. اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی، آشکالی از تبعیض نژادی را جنایت علیه بشریت شناخته و آن را جرم‌انگاری کرده است. در مقابل، فقه اسلامی به مساوات (که ضد تبعیض است) به‌عنوان یک اصل فرمان می‌دهد. مساواتی که اسلام میان افراد بشر قائل است، دارای جنبه‌های ذیل است: تساوی در اصل انسانیت؛ مساوات در حقوق و تکالیف؛ مساوات در داوری و اجرای قوانین.

۳. لزوم وجود عناصر سه‌گانه برای اثبات هر جرمی از جمله جنایت تبعیض نژادی، امری است که هم در فقه اسلامی و هم در حقوق بین‌المللی کیفری مورد تأکید هست. تفاوت فقه اسلامی و حقوق بین‌الملل کیفری در این بخش این است که اعمال و مصادیق مشخصی در فقه به‌عنوان مصادیق جنایت تبعیض، تعیین نگردیده، هرچند مصادیق مورد نظر حقوق بین‌الملل کیفری از منظر فقه اسلامی نیز اعمالی ناروا و ممنوع بیان شده و چه بسا دارای مجازات شدیدتر و بیشتر از آنچه در حقوق بین‌الملل کیفری پیش‌بینی شده نیز می‌باشند.

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۷۷ش). فلسفه حقوق بشر، قم: اسراء.
۳. حاجی ده‌آبادی، احمد. (۱۳۹۶ش). جرائم علیه اشخاص (قتل)، تهران: میزان.
۴. خالقی، ابوالفتح. (۱۳۹۴ش). حقوق بین‌الملل کیفری اختصاصی، تهران: مجد.
۵. —. (۱۳۹۴ش). حقوق بین‌الملل کیفری عمومی، تهران: مجد.
۶. خمینی، روح‌الله. (۱۳۸۹ش). صحیفه امام، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۷. دباس، علی محمد ابوزید و علیان، علی. (۲۰۱۱م)، حقوق الانسان و حریاته، عمان: دارالثقافه.
۸. دهخدا، علی‌اکبر. (۱۳۸۵ش). فرهنگ متوسط دهخدا، زیر نظر: سیدجعفر شهیدی، تهران: دانشگاه تهران.
۹. طباطبایی، سید محمد حسین. (۱۳۸۲). المیزان، ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۱۰. طوسی، محمدبن حسن. (۱۴۰۷ق). تهذیب الاحکام، دارالکتب الاسلامیه - ج ۱، چاپ چهارم.
۱۱. ابن حیتون، نعمان بن محمد. (۱۳۸۵ه.ش). دعائم الاسلام، جلد ۱، قم، مؤسسه آل‌البیت علیه السلام، چاپ دوم.

۱۲. قیاسی، جلال‌الدین، ساریخانی، عادل و خسروشاهی، قدرت‌الله. (۱۳۸۰ش). مطالعه تطبیقی حقوق جزای عمومی در اسلام و حقوق موضوعه، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۱۳. کیتی شیایزری، کریانگ ساک کیتچایساری. (۱۳۸۳ش). حقوق بین‌الملل کیفری، ترجمه بهنام یوسفیان و محمد اسماعیلی، تهران: سمت.
۱۴. کوئن، بروس. (۱۳۸۰ش). مبانی جامعه‌شناسی، ترجمه غلام عباس توسلی و رضا فاضل، تهران: بینا.
۱۵. گرجی، ابوالقاسم، شکاری، روشنعلی و فریار، حسین. (۱۳۸۱ش). حدود و تعزیرات و قصاص، تهران: دانشگاه تهران.
۱۶. محمدی، ابوالحسن. (۱۳۶۷ش). حقوق کیفری اسلام (ترجمه ابواب حدود و تعزیرات از مسالک الافهام و شرائع الاحکام)، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
۱۷. معین، محمد. (۱۳۸۱ش). فرهنگ دوجلدی، تهران: انتشارات آدنا.
۱۸. مکارم شیرازی، ناصر. (۱۴۲۷ق). استفتاءات، گردآورنده: ابوالقاسم علیانزادی، قم: مدرسه الإمام علی بن ابی طالب علیه السلام.
۱۹. موسوی بجنوردی، محمد. (۱۳۷۹ش). قواعد فقهیه، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۲۰. موسی زاده، ابراهیم و شکر، هادی. (۱۳۹۵ش). حقوق بشر در اسلام، تهران: خرسندی.
۲۱. میر محمد صادقی، حسین. (۱۳۸۹ش). جرائم علیه اشخاص، تهران: میزان.
۲۲. نوری، عبدالعزیز. (۱۳۹۷ش). حقوق بشر، کابل: دانشگاه کاتب.

مقالات

۲۳. جوادی آملی، عبدالله، «حقوق بشر از نگاه اسلام و غرب»، رواق اندیشه، شماره ۹، ۱۳۸۱ش.
۲۴. رضوی فرد، بهزاد، «کارآمدی و ناکارآمدی کیفر حبس در حقوق بین‌الملل کیفری»، فصلنامه پژوهش حقوق کیفری سال اول، شماره ۱، پاییز ۱۳۹۱ش، صص: ۲۰۳-۱۸۱.
۲۵. ربیسی، لیلا، «بررسی شرایط عمومی جرائم علیه بشریت»، نشریه وکالت، شماره ۲۷ و ۲۸، ۱۳۸۴ش.
۲۶. سالاری، علی، «برابری و عدم تبعیض در نظام حقوق بشر»، مجله پژوهش‌های حقوقی، شماره ۳۵، ۱۳۹۷ش، صص: ۱۶۹-۱۴۵.
۲۷. فضلی‌خانی، اکرم. (۱۳۹۶ش). «بررسی حقوق اقلیت‌ها در غرب و ایران»، فصلنامه مطالعاتی صیانت از حقوق زنان، شماره ۷.
۲۸. قیاسی، جلال‌الدین، محترم قلاتی، ایمان، «تحلیل عنصر محور رکن معنوی جنایات عمدی در صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی»، پژوهش حقوق کیفری، سال ششم، شماره بیست و یکم، زمستان ۱۳۹۶، صص: ۱۶۶-۱۶۴.
۲۹. ملکی، علیرضا، «اختیار اخلاقی کانت و مسئله نژادپرستی؛ مطالعه تطبیقی با مفاهیم نظام بین‌المللی حقوق بشر»، دو فصلنامه حقوق بشر، سال شانزده شماره ۱، پیاپی ۳۱، ۱۴۰۰ش، صص: ۱۱۴-۹۹.

قوانین و مقررات

۳۰. اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی، مصوب ۱۹۹۸.
۳۱. اعلامیه جهانی حقوق بشر، مصوب مجمع عمومی سازمان ملل سال ۱۹۴۸.
۳۲. کنوانسیون بین‌المللی محو کلیه اشکال تبعیض نژادی، ۲۱ دسامبر ۱۹۶۵.
۳۳. کنوانسیون بین‌المللی منع و مجازات جنایت آپارتاید، ۳۱ نوامبر ۱۹۷۳.
۳۴. مجموعه مقررات دیوان بین‌المللی کیفری، ترجمه محمد نسل، غلام‌رضا. (۱۳۸۵ش). تهران: دادگستر.

۳۵. <https://abadis.ir/fatofa>.

۳۶. <https://www.mizanonline.ir/fa/news/49640>.

۳۷. <http://irdiplomacy.ir/fa/news/2016984>.

۳۸. <http://irdiplomacy.ir/fa/news/2016984>.